

خرد جمعی که مسلماً در جای خود بسیار اهمیت دارند، می‌بایست به عوامل عینی نظیر پشتیبانی عناصر اجتماعی و سیاسی فعال از این آزادی دقت ویژه‌ای داشت. پذیرش عمومی عوامل ذهنی معمولاً نتیجه سال‌ها برخورداری از آزادی و حک شدن آنها در خرد جمعی یک ملت است، یعنی همان چیزی که نام فرهنگ بر آن می‌گذارند. اما پیش از آنکه اندیشه‌ای به فرهنگ تبدیل شود، عناصر و فعالان سیاسی و اجتماعی هستند که با تلاش بسیار وظیفه دفاع و پشتیبانی از آن را به دوش می‌کشند. پس نقد و ارزیابی برآیند نیروهایی که در برهه‌ای به تبلور آزادی در جامعه می‌انجامد از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

هر چند در سال‌های اول پس از پایان جنگ وظیفه حراست از آزادی مطبوعات - که با اتخاذ سیاست گشایش فضای مطبوعاتی توسط وزیر ارشاد وقت، سید محمد خاتمی برنامه‌ریزی شد و به اجرا در آمد - عمدتاً بر دوش ماهنامه‌ها و فصلنامه‌هایی بود که مفاهیم و مقولاتی همچون مدارا، آزادی، دگر اندیشی و جامعه مدنی را در فضای روشن‌فکری کشور به بحث می‌گذاشتند و به همین علت نیز آماج سخت‌ترین انتقادها - اگر نگوئیم حملات - گروه‌های فشار بودند، از سه‌چهار سال پیش به این‌سو و به‌ویژه پس از انتخابات دوم

## آزادی مطبوعات در گرو چالش‌های سیاسی و جناحی

در شرایطی که هنوز محدودیت‌های حقیقی و حقوقی جدی برای مشارکت فرهنگی، سیاسی و حتی اقتصادی آحاد ملت در جامعه وجود دارد، چند سالی است که شاهد فعالیت و تکاپوی آزادانه مطبوعاتی در کشور هستیم. کمتر موضوعی است که در مطبوعات روزانه به بحث گذاشته نشود و کمتر روزی می‌گذرد بدون آنکه شهروندان کشور - که به همین علت هر روز بیشتر روزنامه خوان می‌شوند - از طرح مسائل "حساس" در مطبوعات متعجب نشوند.

حتی اگر در زمره خوشبین‌ترین افراد باشیم و نیز یادمان برود که در یکصد سال گذشته، زود سب‌ری شده‌اند دوره‌هایی که در آنها مطبوعات آزاد و احزاب و دسته‌جات فعال بوده‌اند، باز هم جای این پرسش باقی می‌ماند که چگونه امروز این آزادی و آن محدودیت‌ها با هم همزیستی می‌کنند و چه باید کرد تا بلکه این آزادی بر آن محدودیت‌ها فائق آید؟

برای یافتن پاسخی به این پرسش باید به عواملی که امروز موجب پویایی مطبوعات هستند توجه کرد. در کنار عواملی ذهنی همچون تعلق خاطر به آزادی و ارجمنداری به عقاید و اندیشه دیگران به منزله منشأ اصیل

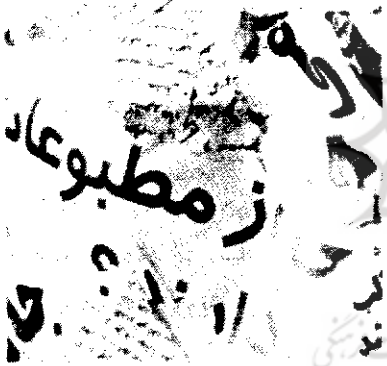
خرداد این مهم بر عهده مطبوعات روزانه قرار گرفته است.

در واقع باید به خاطر بیاوریم که به هنگام طرح سیاست گشایش فضای مطبوعاتی در سال‌های ۶۷ و ۶۸، بیشتر نیروهای سیاسی حاضر در صحنه به مخالفت با آن پرداختند. نیروهای محافظه کار نگران طرح مسائل حساس در مطبوعات بودند - درست مثل امروز - و نیروهای تندرو نگران آزادی دگراندیشان. می‌دانیم که مجموعه این مخالفت‌ها بالاخره به استعفای طراح سیاست گشایش فضای مطبوعاتی از مقام وزارت منجر شد که خود نشانه روشنی بود از اینکه کم بودند نیروهای فعال سیاسی که حاضر به دفاع از آزادی مطبوعات باشند. اگر دومین انتخابات مجلس خبرگان و برنامه حذف کاندیداهای تندرو - که به نظر می‌رسید تمرینی است برای انتخابات مجلس چهارم - در راه نبود و اگر بخشی از نیروهای تندرو به این صرافت نمی‌افتادند که در اختیار داشتن یک نشریه شاید آخرین سنگر آزادی شان باشد، شاید با رفتن طراح این سیاست، اثرات آن نیز برای مدتی نه چندان کوتاه از جامعه محو می‌شد.

پس از برگزاری انتخابات مجلس چهارم بود که نیروهای تندرو پی به اهمیت مطبوعات آزاد بردند و از آزمونی به آزمون دیگر آرام آرام مسیر سخت انتقاد از خود

وازداندیشه استبدادی‌شان را طی کرده و مفاهیم و مقولاتی که در ماهنامه‌ها و فصلنامه‌ها تبیین و تدوین شده بود به روزنامه‌ها راه یافت.

پشتیبانی روزنامه‌هایی همچون سلام و همشهری و ایران از سید محمد خاتمی در ششمین دوره انتخابات ریاست جمهوری که یکی از مهم‌ترین عوامل آشنایی عموم مردم با اندیشه‌های وی و استقبال بی‌نظیری بود که از این کاندیداتوری شد، همه نیروهای سیاسی را به اهمیت مطبوعات به عنوان اهرمی برای بسیج عمومی آگاه ساخت.



از این پس مطبوعات که در نبود سازمان‌های سیاسی نقش سخنگوی جریان‌های سیاسی را ایفا می‌کردند در مقام جلب نظر مردمی برآمدند که با رأی خود در دوم خرداد ۱۳۷۶ نشان داده بودند که برای آزادی ارزشی سواى سایر ارزش‌های غالب اجتماعی قائل هستند. به این ترتیب آزادی مطبوعات به منزله نتیجه رقابت

که چنانچه آزادی فعلی مطبوعات نتواند زمینه را برای آزادی همه دیدگاه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور فراهم آورد و در چارچوب هر روز تنگ تر آن رقابت نامبرده باقی بماند. از پشتیبانی خوانندگانش محروم شده، توانش تحلیل خواهد رفت و از آن جز تجربه ناکام دیگری برای نسل‌های آتی خاطره‌ای بر جای نخواهد ماند.

زیبا جلالی نائینی



## نظرات جامعه مدنی بر مذاکرات سازمان جهانی تجارت

طبق اساسنامه سازمان تجارت جهانی، نشست وزرای تجاری کشورهای عضو این سازمان باید لااقل هر دو سال یک بار برگزار شود. تغییر مقررات سازمان از طریق یک رشته مذاکرات چند جانبه صورت می‌گیرد که به آن "دور" مذاکرات گفته می‌شود. گردهم‌آیی "سیاتل" سومین نشست وزرای این سازمان بود و قرار بود آغازگر دور جدید مذاکرات تجارت جهانی باشد. مقدمات آن در نشست قبلی در ماه مه ۱۹۹۸ در ژنو آغاز شد و به دنبال آن شورای عمومی این سازمان شروع به

سیاسی میان دو گروهی که از یکی دو سال از انقلاب گذشته فرادستی را در صحنه سیاسی کشور میان خود تقسیم می‌کنند، برای کشور به ارمغان آورده شد. کسانی که گمان کردند این آزادی خارج از رقابت این دو گروه می‌تواند به معنای زمینه برای ورود سایر دیدگاه‌های سیاسی به صحنه رقابت به شمار آید به سرعت با مواجه شدن با تعطیلی نشریه‌شان - جامعه، توس، زن، نشاط و نیز سلام و خرداد - پیش از دیگران پی به محدودیت این آزادی بردند. و بر اساس همین تجربه بود که دیگر مطبوعات روزانه به بازتاب نظریات "خودی"ها اکتفا کرده و هر چند در زمینه گفتار به دفاع از ارزش‌هایی پرداختند که فراتر از مجموعه ارزشی‌های غالب در این دو دهه بوده است، اما عملاً قدمی در راه گشایش فضای سیاسی برداشتند. به این اعتبار آزادی مطبوعات در تنگنای مبارزات سیاسی و جناحی محدود ماند. امیدهایی که با انتخابات دوم خرداد پدید آمدند زمینه مساعدی را برای رشد و توسعه مطبوعات فراهم آوردند. در عین حال روشن است که چنانچه این رشد نتواند پاسخگوی آن امیدها باشد، بعید به نظر می‌رسد که بتواند از استمرار کافی به نهاد ماندگاری در جامعه مدنی تبدیل گردد.

آنگاه که بدانیم آزادی بیش از هر چیز آزادی دگراندیش است متوجه خواهیم شد